

Amirkabir's Perceptions and His Independence-Oriented Foreign Policy

Homeira Moshirzadeh

Corresponding Author, Associate Professor, Department of International Relations,
University of Tehran, Tehran, Iran. hmoshir@ut.ac.ir

Sajjad Karimian

MA, International Relations, University of Tehran, Tehran, Iran.
sajadkarimian2@gmail.com

Abstract:

During the period of dependence on and concessions to foreign powers, there have been short periods of struggles for gaining more independence and enforcing national sovereignty among which the short chancellorship of Mirza Taqi Khan Amirkabir is the most salient one as he attempted to pave the way for more independence of the country in various aspects. This article seeks to explain this foreign policy shift. It suggests that his belief system could have played a role. The main question addressed is about the way Amirkabir shifted to an independence-seeking foreign policy. The hypothesis examined, based on operational code analysis, is that this foreign policy is rooted in his philosophical and instrumental beliefs. Applying qualitative content analysis shows how a specific combination of a set of beliefs can explain foreign policy in this period.

Keywords: Amirkabir, Iran, history of foreign relations, independence, operational code

باورهای امیرکبیر و سیاست خارجی استقلال جویانه او^۱

حمیرا مشیرزاده

نویسنده مسئول، دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه تهران، تهران، ایران. hmoshir@ut.ac.ir

سجاد کریمیان

کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه تهران، تهران، ایران. sajadkarimian2@gmail.com

چکیده

در طول تاریخ روابط و سیاست خارجی ایران در عهد قاجار که معمولاً به عنوان عصر وابستگی و مماشات در برابر قدرت‌های بیگانه تلقی می‌شود، دوره‌هایی اندکی به علت تفاوت با این وضعیت عام اهمیت ویژه‌ای داشته‌اند. برهه صدارت میرزا تقی‌خان فراهانی سرآمد این دوره‌ها است؛ در این دوره تلاش‌های جدی در راه استقلال ملی در ابعاد مختلف صورت گرفت. بر همین اساس، در این مقاله تلاش شده است این تغییر در سیاست خارجی ایران و تلاش برای استقلال جویی، تبیین شود. به نظر می‌رسد می‌شود این تفاوت را به متغیرهای شخصیتی و به طور خاص، نظام باورهای فردی امیرکبیر نسبت داد. پرسش اصلی تحقیق حاضر نیز این است که باورهای امیرکبیر چگونه به سیاست خارجی استقلال جویانه در دوره صدارت او منجر شد؟ با تکیه بر نظریه رمزگان عملیاتی (operational code)، این فرضیه ارائه شد که سیاست استقلال جویانه امیرکبیر، ریشه در باورهای فلسفی و ابزاری او دارد. با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی از مجموعه نامه‌های موجود امیرکبیر، باورهای او استخراج شده، سپس با توضیح ارتباط میان باورهای امیرکبیر در ارتباط باهم، نشان داده می‌شود که چگونه سیاست خارجی استقلال طلبانه او را می‌توان در این دوره توضیح داد.

واژگان کلیدی: امیرکبیر، ایران، تاریخ روابط خارجی، استقلال، رمزگان عملیاتی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۹ تاریخ بازبینی: ۱۴۰۰/۱۰/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۱۳

^۱ مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته روابط بین‌الملل دانشگاه تهران است.

۱- مقدمه

در سیاست خارجی دوران قاجار به دوره‌هایی برمی‌خوریم که متفاوت از جریان عمومی حاکم بر این عصر است که در آن منافع و حاکمیت ملی در کساکش منافع قدرت‌های بزرگ (بریتانیا و روسیه) فراموش شده و وابستگی تمام شئون و امور مملکت به دو قدرت جهانی وقت رویه مسلط بود. بارزترین برش تاریخی این روزگار را که متفاوت از روند اصلی بود، می‌توان عصر صدارت میرزا تقی‌خان فراهانی دانست. روی کار آمدن امیرکبیر باعث اتخاذ سیاست خارجی متفاوت نسبت به دوره‌های قبل و بعد شد. در عصر صدارت او تسلیم کم و بیش مطلق و چشمگیری که در گذشته در برابر فشارهای دولت‌های خارجی و به ویژه کشورهای اروپایی وجود داشت دیده نمی‌شود. همچنین در دوره او برای گسترش روابط خارجی با کشورهایمانند اتریش و آمریکا تلاش‌هایی صورت گرفت که البته با کارشکنی دولت‌های روسیه و بریتانیا همراه شد (هو شنگ مهدوی، ۱۳۹۲، ص. ۲۸۶). این موضوع این مسئله را پیش رو قرار می‌دهد که اصولاً ریشه تفاوت سیاست خارجی امیرکبیر در چیست؟

مروری بر آثار موجود درباره عصر امیرکبیر نشان می‌دهد که دو نگاه کلی در این باره وجود دارد که یکی خوش‌بینانه و دیگری بدبینانه یا موضع خاصی در این رابطه ندارند، است. دسته اول پژوهش‌های اقبال (۱۳۴۰)، کاوه جبلی (۱۳۷۱)، شیخ نوری (۱۳۸۶)، جوادی یگانه و جوادی (۱۳۹۲)، جعفری (۱۳۹۶) و آدمیت (۱۳۴۸) را در برمی‌گیرد؛ این پژوهش‌ها با توجه به نگاه خوش‌بینانه‌ای که دارند، علت اتخاذ سیاست خارجی متفاوت امیرکبیر را ملی‌گرایی و وطن‌دوستی او می‌دانند. اما پژوهش‌های

دسته دوم این رویکرد را ندارند، آنها اصولاً قائل به تفاوت در سیاست خارجی برای امیرکبیر نیستند یا در این میان موضع خاصی نمی‌گیرند (مانندخلیلی، ۱۳۸۰). در تبیین تفاوت سیاست خارجی در عصر امیرکبیر، با توجه به کم‌نظیری تقریبی این رویکرد در طول دوره قاجار، لاجرم نقش ویژه خود او مطمح نظر قرار می‌گیرد و در آثار تاریخی موجود نیز به شخصیت و باورها و توانمندی‌های امیرکبیر اشاره شده است اما مطالعه‌ای نظام‌یافته و علمی درباره ساختار اعتقادی وی صورت نگرفته است. در باب اهمیت این موضوع باید گفته که هنوز بسیاری از ابعاد سیاست خارجی ایران ناشناخته یا کم‌تر شناخته شده است. شناخت ذهن ایران (منظور نخبگان تصمیم‌گیر در طول تاریخ سیاست خارجی ایران هست) به عنوان یکی از عوامل و متغیرهای میانی برای تحلیل سیاست خارجی یک عامل مجهول محسوب می‌شود. این امر ناشی از عدم درک هندسه ذهنی ایرانی است که خود معلول نبود تحقیق‌های از این دست است. فارغ از اینکه سیاست خارجی ایران تحت تأثیر عوامل ثابت، همچون ژئوپلیتیک یا جامعه موزاییکی و یا عوامل غیر ثابت همچون ساختار حکومت‌های ایران بدانیم. همه این مؤلفه‌ها توسط ذهن ایرانی نخبگان تصمیم‌گیر، معنا و درک می‌شوند که به عنوان یک عامل میان‌گر ارزشی غیر قابل انکار دارند. این پژوهش با هدف شناخت نظام باورها و ذهنیت یکی از سرآمدترین نخبگان تاریخ نوین ایران، در پی دستیابی به چنین اهدافی است (رمضانی، ۱۳۹۲).

در ادامه، پس از ارائه اجمالی چارچوب نظری و روش تحقیق، به ویژگی‌های دوران صدارت امیرکبیر می‌پردازیم که در عین حال تفاوت‌های آن با دوره‌های قبل و پس از صدارت او را نشان می‌دهند. در بخش بعدی، باورهای ابزاری و فلسفی امیرکبیر که با استفاده از نظریه رمزگان عملیاتی و با به‌کارگیری روش تحلیل محتوای کیفی بررسی و استخراج شده‌اند بررسی خواهند شد. سپس با استفاده از داده‌های استخراج شده، سیاست خارجی استقلال‌جویانه امیرکبیر تبیین می‌شود و مهم‌ترین آورده‌های این تحقیق مشخص می‌شوند و پس از آن نتیجه‌گیری مقاله ارائه خواهد شد.

۱-۱ چارچوب نظری

رمزگان عملیاتی از نظریه‌های اصلی رویکرد ادراکی یا شناختی به سیاست خارجی محسوب می‌شود. تعاریف گوناگونی از رمزگان عملیاتی وجود دارد و باید توجه داشت که گاه از آن به عنوان مفهومی روان‌شناختی یاد می‌شود، گاه آن را یک

روش می‌دانند و گاه نیز به عنوان نظریه مد نظر قرار می‌گیرد. بر این مبنا تعاریف متنوعی از آن صورت گرفته است که به مهم‌ترین آنها اشاره شود. اولین بار اصطلاح «رمزگان عملیاتی» را رابرت مرتون در اثرش به نام «ساختار بورکراتیک شخصیت» به کاربرد (Merton, 1940). پس از رابرت مرتون، ناتان لایتس در اثری که به سفارش مؤسسه ژند تهیه شده است، باورهای رهبران شوروی سابق را برای درک سیاسی خارجی آنها تحلیل کرد (Leites, 1951). برخلاف رابرت مرتون که رمزگان عملیاتی را در قالب اجتماعی تعریف کرده و به کار برده بود، لایتس آن را در قالب خاصی که ناظر بر سیاست خارجی و فهم رفتار متقابل است، قرارداد. این اثر برای فهم رفتار متقابل در سیاست خارجی که به بررسی ریشه‌های قواعد تصمیم‌گیری در شوروی سابق پرداخته به رشته تحریر در آمده است. می‌شود گفت که رمزگان عملیاتی به معنای امروزی آن با اثر الکساندر جرج پیدا شد (George, 1967). اما عده‌ای از محققین رمزگان عملیاتی را رویکردی به تحلیل باورهای رهبران سیاسی و تصمیم‌گیران که تمرکز زیادی بر روی باورهای سیاسی دارد، می‌دانند (Mintz, 102) and Derouen, 2010, p. برخی محققین دیگر با پیش فرض قرار دادن اهمیت بررسی افراد، رمزگان عملیاتی را مجموعه‌ای از اعتقادات رهبران در باره ماهیت جهان سیاست و ابزارهای پیگیری اهداف می‌دانند (George, 2014, p. 15-14).

اما به طور کلی رمزگان عملیاتی در حوزه سیاست خارجی را می‌توان مجموعه‌ای از اعتقادات رهبران درباره ماهیت جهان سیاست و ابزارهای پیگیری اهداف دانست (George, 2014, p. 15-14) که از پاسخی که از اظهارات موجود آنها به پنج پرسش فلسفی (درباره ماهیت حیات سیاسی، دورنماهای تحقق‌نهایی ارزش‌ها، پیش‌بینی‌پذیری آینده، میزان کنترل خود بر امور و نقش شانس و اقبال) و پنج پرسش ابزاری (درباره راهبردهای مرجح، شیوه مرجح نیل به اهداف، میزان ریسک‌پذیری، میزان انعطاف‌پذیری و برداشت از نقش و سایل مختلف برای پیشبرد منافع) استخراج می‌شود، می‌توان دریافت.

1 Robert Merton

2 Nathan Leites

3 RAND

4 Alexander George

جدول ۱ پرسش‌های فلسفی و ابزاری

پرسش‌های ابزاری	پرسش‌های فلسفی
۱- بهترین رویکرد برای انتخاب اهداف برای عمل سیاسی چیست؟	۱- ماهیت ذاتی زندگی سیاسی چیست؟ جهان سیاست، جهانی هماهنگ است یا جهانی متعارض؟ خصوصیات اصلی رقیبان سیاسی ما چیست؟
۲- چگونه می‌توان به کارآمدترین شیوه در جهت اهداف پیشرفت؟	۲- دورنماهای تحقق نهایی ارزش‌ها و آرمان‌های بنیادین سیاسی چیست؟ با این حساب باید خوش‌بین بود یا بدبین؟
۳- خطرات عمل سیاسی چگونه محاسبه، کنترل و پذیرفته می‌شود؟	۳- آیا آینده قابل پیش‌بینی است؟ چطور و چگونه؟
۴- بهترین زمان‌بندی برای پیشبرد منافع چیست؟	۴- آیا بر روند تحولات تاریخ کنترل داریم؟ نقش ما در به پیش بردن تاریخ متناسب با مطلوب خود چیست؟
۵- میزان مطلوبیت و نقش وسایل مختلف برای پیشبرد منافع چقدر است؟	۵- نقش اقبال (شانس) در امور انسانی و در تحولات تاریخی چیست؟

منبع: George, 1967, p. 32

تحلیل‌گران رمزگان عملیاتی با مراجعه به پاسخ‌های ۵ سؤال اول (باورهای فلسفی یا به تعبیر جرج تمایلات شخصی) می‌توانند تشخیص مقام‌های کشوری را از موقعیت به دست آورند و با مراجع به ۵ سؤال دوم (باورهای ابزاری یا به تعبیر جرج تمایلات گزینشی) بدیل کنشی را که مقامات ترجیح می‌دهند متوجه بشوند (یانگ و شیفر، ۱۳۹۶، ص. ۳۲).

سؤال‌هایی که در جدول بالا مطرح شده، آغازی است برای بررسی نظام‌مند نظریه رمزگان عملیاتی. جرج با طراحی هدفمند این سؤال‌ها در پی یافتن پاسخ‌های مناسبی بود که تشریح‌کننده مجموعه‌ای از نظام باورهای افراد است. اهمیت سؤال‌های جرج در چینش و نوع تفاوت‌های سؤالات است که دارای اثر متقابل با

یکدیگرند. به عبارت دیگر، ویژگی مهم این سئوالات که درک نظام باورهای افراد را ممکن می‌سازد، این است که صورت سئوالات و پاسخ‌های آن به روی یکدیگر اثر می‌گذارند. به عنوان مثال، افرادی که سرشت بنیادین نظام بین‌الملل و سیاست را تعارض‌آمیز می‌دانند و کسانانی که آن را مبتنی بر هماهنگی می‌بینند، در باره راهبردهای مقابله با آن نیز تفاوت نظر دارند؛ و به همین صورت در مورد بقیه سئوالات نیز اثرگذاری وجود دارد (مشیرزاده، ۱۳۹۶، ص ۱۷۰-۱۷۱).

سئوالات رمزگان عملیاتی برنامه‌های پژوهشی برای تحلیل رمزگان عملیاتی به وجود آورد که دارای این مفروض‌ها و الگوهای استنتاجی بود.

۱- تصمیم‌گیران در انتخاب باورها و ویژگی‌های شخصیتی متفاوت‌اند.

۲- این خصوصیات ساختار گسترده اهداف تصمیم‌گیرنده را مشخص می‌کنند و به نحوی تحلیل گزینه‌های بدیل توسط او شکل می‌دهند.

۳- از بین گزینه‌های یک سیاست‌گذار حتی‌الامکان آن گزینه‌ای انتخاب می‌شود که با این اصول سازگاری باشد و به محدوده رفتار عقلایی تصمیم‌گیرنده شکل دهد (واکر، ۱۳۹۶، ص. ۹۲).

به‌طور کلی رمزگان عملیاتی، مطالعه نظام باورهای افراد تصمیم‌گیرنده در عرصه سیاست خارجی با هدف دستیابی به محتوای نظام باورهای آنها است. کشف نظام باورهای افراد مورد مطالعه ضمن در اختیار قراردادن علل و معلول‌های خاص (جرویس، ۱۳۹۸)، این امکان را در اختیار محقق قرار می‌دهد که با کمک گرفتن از نظام باورهای افراد مورد مطالعه، اقدامات او را پیش‌بینی کند؛ هرچند که این موضوع می‌تواند زمینه‌مند و ناظر بر موضوعی خاص باشد.

۱-۲- روش تحقیق

مورگنتا می‌گوید، "جستجوی سرنخ سیاست خارجی در انگیزه‌های دولت‌مردان عملی بی‌ثمر و فریبنده است. بی‌ثمر است، زیرا انگیزه گمراه‌کنندترین داده روان‌شناختی است و منافع و احساسات بازیگر و همچنین ناظر، آن را تعریف می‌کند و این تعریف را غالباً نمی‌توان تشخیص داد" (مورگنتا، ۱۳۸۹، ص. ۸). در نتیجه بررسی مؤلفه‌هایی چون باور، ادراک، انگیزه و مواردی این چنین از چرخه مطالعات علمی کم و بیش خارج شده بود. حال آنکه مطالعه رابطه میان ذهن و زبان منجر به پیدایش رشته علمی به نام روان‌شناسی زبان شده است. از این منظر انعکاس ذهن در

زبان است و فعالیت‌های ذهنی نیز بدون استفاده از زبان ممکن است آن قدر ضعیف باشد که نتوان آن را در زمره فعالیت‌های ذهنی جای داد.

در یک نگاه کلی نوعی رابطه میان خصوصیت‌های ذاتی ذهن و مشخصه‌های زبانی بسیار طبیعی می‌نماید زیرا زبان به هر حال جدا از نمودهای ذهنی‌اش موجودیت نمی‌یابد. زبان هرچه که باشد نتیجه و ساخته شده همان‌هایی است که از طریق فرایندهای ذهنی و ذاتی به آن داده شده است. دقیقاً به همین دلیل است که زبان به عنوان رو شنگرترین ابزار تحقیق برای کشف سازمان‌بندی فرایندهای ذهنی شناخته می‌شود (بهمنی، فقیه ملک زبان، ۱۳۹۵، ص. ۹۷). پس می‌توان این نتیجه را گرفت که برای بررسی مواد هستی‌شناسانه رویکردهای ادراکی سیاست خارجی باید به سراغ زبان رفت. اما مشکلی که در این قسمت وجود دارد این است که در مطالعه ادراکات اشخاص اولاً به این دلیل که با آنها فاصله زمانی و مکانی وجود دارد و همچنین از آنجا که اکثر قریب به اتفاق این افراد از باورهای خود بی‌خبرند، نمی‌توان مشخصاً به صورت پرسش و پاسخ مستقیم از آنها به باورهایشان پرسید. به همین دلیل روش با فاصله و از طریق مراجعه به نوشته‌های آنها بهترین راه برای مطالعه این موضوع است. بر همین اساس در این تحقیق روش تحلیل محتوا برگزیده شده که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.

به طور کلی روش تحلیل محتوا باید توانایی بازنمایی از داده‌های معتبر متن و زمینه‌های متن را داشته باشد. این تعریف ناظر بر ویژگی‌هایی است که در تعریف‌های برنارد برلسون و هارولد لاسول دیده می‌شود. این تعاریف زمانی قابلیت دارد که تعریف آل. آر. هالستی به آن اضافه شود. او در تعریف خود از تحلیل محتوا پیش‌زمینه‌های مثل "چه کسی" (منبع ارسال پیام) "چرا" (فرایند رمز یابی) "چگونگی" (مجرای ارتباطی) و نتایج یا تأثیرات پیام‌بر مخاطب را اضافه می‌کند (کرپندروف، ۱۳۷۸، ص. ۴۶).

ویژگی متفاوت و اساسی تحلیل محتوای کیفی که در این تحقیق به کار گرفته شده در این است که در این نوع پژوهش هدف می‌تواند نظریه‌پردازی باشد یا حداقل زمینه را برای آن فراهم آورد. بر همین اساس تحلیل محتوای کیفی به فراسوی کلمات و محتوای متن می‌رود و در صدد است محتوای پنهان آنها را آشکار کند (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰، ص. ۲۱-۲۲) به همین دلیل تحقیق کیفی نقطه تمرکز خود را در معنای سوژه مورد مطالعه می‌گذارد و در پی رسیدن به معنایی است که سوژه‌ها همراه با خود دارند (محمد پور، ۱۳۹۷، ص. ۷۰). اما جامع‌ترین تعریف برای

روش تحلیل محتوای کیفی را هی و شانون ارائه داده‌اند: "یک روش تحقیق برای تفسیر ذهنی محتوای داده‌های متنی از طریق فرایند طبقه‌بندی منظم با شنا سایی تم‌ها یا مضامین و الگوها" (Shannon, 2005, p. 1228).

تحلیل محتوای کیفی به عنوان روشی برای تفسیر ذهنی محتوای داده‌های متن از طریق طبقه‌بندی اطلاعات آن به کار گرفته می‌شود. فرض نظریه‌های ادراکی آن است که گفته‌ها و نوشته‌های افراد منعکس‌کننده باورهای آنهاست و بر همین اساس متون تولیدشده آنها برای آشکار ساختن ادراکات و باورهای آنان مورد تحلیل قرار می‌گیرد. واحد تحلیل در این تحقیق مضمون است که به معنای پی‌بردن به مفهوم درونی مطلب یا به عبارت بهتر، معنای در میان گرفته شده توسط یک متن، است. رویکرد این تحقیق تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار است که بر اساس پیش فرض‌های چهارچوب نظری تحقیق است. به همین جهت در پی این هستیم که دریابیم آیا بین باورهای میرزا تقی‌خان امیرکبیر (شامل باورهای فلسفی و ابزاری) و سیاست خارجی استقلال‌جویانه او رابط‌های وجود دارد یا خیر؟ با توجه به جهت‌دار بودن رویکرد این متن شیوه آن نیز قیاسی است. قیاسی بودن این رویکرد باعث توجه به پرسش‌های تحقیق می‌شود. این موضوع موجب می‌شود که تحقیق نسبت به سایر رویکردهای تحلیل محتوای کیفی نظم و ترتیب بهتری داشته باشد. از آنجا که به رغم کیفی بودن تحقیق در مواردی لازم بود شدت یا میزان پایبندی به باورهای مختلف به شکلی عینی سنجیده شود و برای اجتناب از تحمیل ذهنیت محقق به متن، آراء داورانی که نظر خود را درباره شدت و ضعف شاخص‌های مورد نظر اعلام کردند ملاک سنجش باورهایی از این دست قرار گرفت. متونی که در این تحقیق مورد تحلیل قرار گرفته‌اند از کتاب *امیرکبیر و ناصراالدین شاه* برگرفته شده‌اند که به نظر می‌رسد حاوی اکثر متون در دسترس از او باشد. اما پیش از پرداختن به نظام باورهای امیرکبیر جا دارد نگاهی کوتاه به سیاست خارجی او داشته باشیم.

۲- سیاست خارجی استقلال‌جویانه

سیاست خارجی عصر قاجار عموماً با صفاتی همچون وابستگی، ضعف و خودباختگی معرفی می‌شود که تجلی آن را می‌توان در رویه‌ها، معاهدات بین‌المللی و نفوذ کم‌نظیر دولت‌های بیگانه در امور کشور دید. به عنوان نمادهای از این عصر

می‌توان به انعقاد عهد نامه‌های همچون گلستان، ترکمنچای و آخال اشاره کرده. در اینجا منظور از وابستگی عدم توانایی کنترل دولت بر تمام یا بخشی از فرآیند، ساختار یا کارگزار در ابعاد اقتصادی، سیاسی و نظامی دولت است. شاید مهم‌ترین استثنای این دوره را بتوان عصر صدارت میرزا تقی‌خان فراهانی دانست. در مقابل، خصوصیت اصلی دوره صدارت امیرکبیر تلاش‌های او در جهت کاهش وابستگی کشور در ابعاد سیاسی، اقتصادی و نظامی و افزایش کنترل دولت بر این امور است. برای بررسی سیاست خارجی استقلال جویانه امیرکبیر در ادامه شاخص‌های ذکر می‌شود.

یکی از وجوه مهم تفاوت دوران صدارت امیرکبیر تحول قابل توجه در بخش نظامی ایران در جهت تأمین امنیت ملی و ارتقای قدرت کشور و در نتیجه کاهش وابستگی و افزایش استقلال عمل بود. برای نمونه امیرنظام ۱۵ کارخانه تولید تجهیزات نظامی تأسیس کرد (آبراهامیان، ۱۳۹۴، ص. ۵۰)؛ سازمان لشکری ایران را در جهت افزایش کارآمدی و نظم و انضباط بیشتر مورد تجدیدنظر اساسی قرار داد؛ و در پی راه‌اندازی نیروی دریایی و تأسیسات زیربنایی آن بود (آدمیت، ۱۳۴۸، ص. ۲۵۹). این تحولات باعث شد امیرکبیر ابزار مهم و کارآمدی برای کنترل امور داشته باشد.

یکی دیگر از شاخص‌های سیاست استقلال جویانه امیرکبیر، تأسیس یک نهاد اطلاعاتی به شکل یک نیروی «خفیه نویس» (مأموران اطلاعاتی و ضداطلاعاتی) بود. او از نفوذ گسترده جواسیس انگلستان در ساختار اداری و نظامی ایران آگاه بود و با تأسیس این نیرو و افشای عوامل جاسوسی کشورهای دیگر، باعث کاهش نفوذ آنها و افزایش نفوذ نیروهای خود در دستگاه‌های اجرایی و اداری و همچنین سفارتخانه‌ها شد. این اقدام امیرکبیر، عاملی مهم و اساسی برای کنترل امور و حفظ استقلال کشور شناخته می‌شود (آدمیت، ۱۳۴۸، ص. ۳۴۵).

سیاست اقتصادی امیرکبیر بر ایجاد صنعت و کشاورزی نوین، و توسعه بازرگانی داخلی و خارجی استوار بود. از موارد اجرا شده این سیاست می‌توان به خرید کارخانه‌هایی از خارج، حمایت از محصولات داخلی (داستان مشهور سماورسازی امیرکبیر) و حمایت از فعالین معدن ایران برای کارخانه‌ها اشاره کرد. اما مهم‌ترین اقدام امیرکبیر برای اقتصاد ایران، سیاست کلی او برای کنار گذاشتن اصل کامله الوداد در تجارت خارجی ایران بود. (آدمیت، ۱۳۴۸، ص. ۳۸۷). بدون شک وضعیت اقتصادی اسفناک از علت‌های اصلی زمینه‌ساز نفوذ خارجی است؛ بر همین مبنا، امیرکبیر تلاش زیادی برای خروج از این وضعیت کرد.

سیاست خارجی قاجار مبتنی بر یک دیپلماسی دوقطبی بود؛ به این معنا که «قاجار برای حفظ مصالح خود و استفاده هرچه بیش‌تر از دستاوردهای جزئی سیاسی که در اختیارش بود، از هم‌چشمی روس و انگلیس بهره می‌برد» (امانت، ۱۳۸۳، ص. ۵۷) و با پیگیری نوعی موازنه مثبت امتیازاتی به قدرتهای بزرگ می‌داد. به نظر می‌رسد امیرکبیر با درک شرایط و فضای زیست ایران در آن برهه و با توجه به این‌که وضعیت جغرافیایی و بین‌المللی، ایران را در جایگاهی قرار نمی‌داد که در میان متحدین بزرگ کشورهای قدرتمند قرار گیرد به این نتیجه رسیده بود که سیاست ملی خود را برپایه‌ی تعادل، و ایجاد موازنه‌های باریک و حساس از عدم امتیازدهی به طرف‌های درگیر در ایران تنظیم کند (موازنه منفی).

به نظر می‌رسد در کل سیاست امیرکبیر به معنای اتخاذ راهبردهایی برای به کنترل درآوردن حوزه‌های مختلف (مانند ارتش، اقتصاد، سیاست خارجی) و پیشبرد منظم و دقیق آنها تحت نظارت شدید خود امیرکبیر با هدف کسب استقلال بود. اما ریشه‌ها و زمینه‌های این سیاست استقلال جویانه را باید در کجا جست؟ یکی از راههای تبیین این سیاست تأکید بر نظام ادراکی امیرکبیر است یعنی او با توجه به مجموعه باورهایش - اعم از فلسفی و ابزاری - می‌توانست به رفتارهای استقلال جویانه‌ای شکل دهد که در دوره قبل و پس از او کمتر قابل مشاهده است. در ادامه این باورها بررسی می‌شود.

۳- باورهای فلسفی و ابزاری امیرکبیر

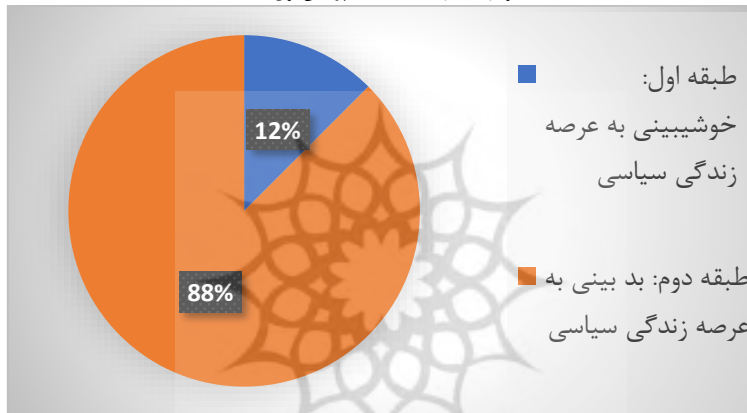
بر اساس نظریه رمزگان عملیاتی، نظام باورها به دو بخش باورهای فلسفی و ابزاری تقسیم می‌شود که در قالب پاسخ به پنج پرسش فلسفی و پنج پرسش ابزاری که می‌تواند نظام باورهای فرد را منعکس سازد از متون تولید شده توسط امیرکبیر استخراج می‌شود.

نخستین پرسش فلسفی این است که ماهیت ذاتی زندگی سیاسی چیست؟ جهان سیاست، هماهنگ است یا متعارض؟ خصوصیات اصلی رقیبان سیاسی ما چیست؟ در این پرسش به دنبال هر مضمونی هستیم که گواهی بر رفتارها و باورهای بدبینانه یا خوش‌بینانه است. برای این پرسش مضامینی همچون «برای آن است که هرزگی و نمایی و شیطنت اهل این ملک را می‌شناسم»، «کل دنیا از شدت حسد به مقام پریشانی برآمدند بالمره خراب ضایع و همچنین که این غلام را خراب کردند» (به نقل از آل داود، ۱۳۹۸، ص. ۱۳۴) و «چرا که آنها رهین منت عثمانلو هستند» (به

نقل از آل داود، ۱۳۹۸، ص. ۶-۱۷۵) و یا «دنیا بی اعتبار جایی است...» (به نقل از آل داود، ۱۳۹۸، ص. ۱۳۵) را می‌توان بر شمرد.

پس از بررسی ۴۵۴ نامه موجود از امیرکبیر، نتایج زیر به دست آمد: ۲۱ مضمون (۸۸ درصد) ناظر بر بدبینی به عرصه زندگی سیاسی و سه مضمون (۱۲ درصد) نیز ناظر بر خوش‌بینی به عرصه زندگی سیاسی تشخیص داده و مشخص شد در نظام باور امیرنظام، بدبینی به عرصه سیاسی وجه مهمی دارد. او عرصه سیاسی را عرصه رقابت، تنازع، و درگیری می‌داند و در نتیجه، به طرف مقابل (دیگری) در عرصه سیاسی نیز بدبین است.

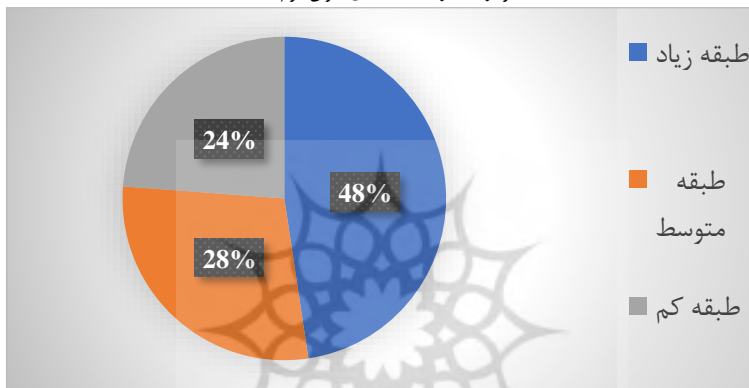
نمودار ۱- درصد طبقه‌های پرسش اول



پرسش دوم در مورد دورنماهای تحقق‌نهایی ارزش‌ها و آرمان‌های بنیادین سیاسی است. آیا امیرکبیر در این مورد خوش‌بین بود یا بدبین؟ بر اساس نظریه رمزگان عملیاتی، پاسخ به این پرسش از طریق مراجعه به پاسخ‌های پرسش اول فراهم می‌شود. برای پاسخ به این پرسش باید به این توجه کرد که آیا فرد مورد مطالعه، جهان‌سیاست را جهانی همساز می‌بیند یا متعارض. با توجه به اینکه امیرکبیر جهان را ناهم‌ساز می‌بیند، طبیعتاً به تحقق‌نهایی ارزش‌ها خوش‌بین نیست. از ۲۱ مضمون ناظر بر بدبینی سیاسی، ۱۰ مضمون در طبقه زیاد (۴۸ درصد)، ۶ مضمون در طبقه متوسط (۲۸ درصد) و ۵ مضمون در طبقه کم (۲۴ درصد) قرار گرفت. برای مثال در دسته زیاد می‌توان به این عبارت امیرکبیر اشاره کرد. «هرزگی و نمایی و شیطنت اهل این ملک را می‌شناسم.» (به نقل از آل داود، ۱۳۹۸، ص.

۱۳۴). یا برای دسته متوسط از این عبارت او می‌توان یاد کرد. «باید مشخص کنند نه اینکه طوری باشد که مأمور دولت علیه عثمانی برخلاف عهدنامه در هر جا مثل حالا چیزی به صرفه دولت خود ادعا نماید و مقرون به وساطت مأمورین شود» (به نقل از آل داود، ۱۳۹۸، ص. ۱۹). در مضمین با شدت کم نیز اکثریت به دست آمده کمابیش شکننده است (۶ از ۱۰)؛ به این ترتیب، شاید این موارد هم نزدیک به متوسط بوده‌اند. با توجه به پراکندگی این مضامین در این سه دسته و همچنین زمینه محتوایی مضامین، می‌توان نتیجه گرفت شدت این مضامین موقعیت‌مند بوده است.

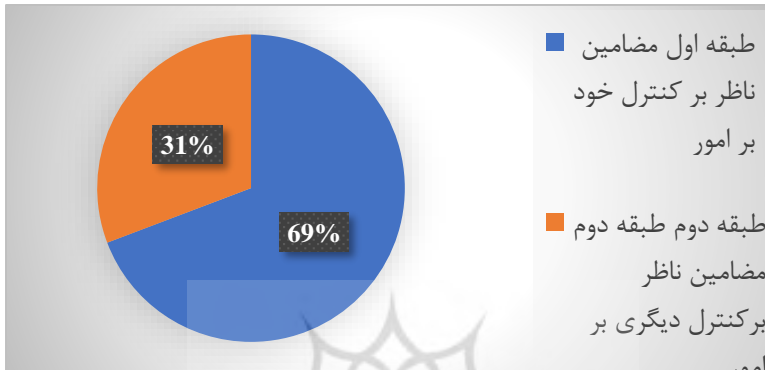
نمودار ۲- درصد طبقه‌های سؤال دوم



سؤال بعدی این است که آیا آینده قابل پیش‌بینی است؟ چطور و چگونه؟ برای پاسخ به این پرسش باید دریابیم که فرد مورد مطالعه، امور را به خود نسبت می‌دهد یا خیر؛ آیا امور را تحت اختیار خود می‌داند یا اینکه امور را در اختیار دیگری می‌بیند؟ فرد مورد مطالعه هر اندازه امور را تحت کنترل خود بداند، آینده سیاسی را بیشتر قابل پیش‌بینی می‌داند. پس از بررسی ۳۵۰ نامه امیرکبیر، ۳۶ مضمون (۶۹ درصد) در طبقه «کنترل خود بر امور» وجود دارد و از مضامین ناظر بر «کنترل دیگری» نیز ۱۶ مورد (۳۱ درصد) یافت شد. برای طبقه «کنترل خود بر امور» می‌توان به این عبارت امیرکبیر استناد کرد. «... به نواب فیروز میرزا هم آنچه باید گفت، گفته‌ام در باب وجه، فدوی از مهدی خان خواسته‌ام، مخارج می‌فرمایید، صبح تفصیل مخارج لازمه را عرض می‌کند. کاغذ سیل صاحب را فرستادم» (به نقل از آل داود، ۱۳۹۸، ص. ۷۶). و «بنده ناخوشم و گیرم هیچ خوب نشدم، شما نباید دست از کار خود بردارید یا دائم محتاج به وجود بنده‌ای باشید» (به نقل از آل داود، ۱۳۹۸،

ص. ۹۵). به نظر می‌رسد این نتیجه نشانگر باور میرزا تقی خان فراهانی به قابل‌پیش‌بینی بودن آینده سیاسی است؛ این نتیجه نشان می‌دهد او به کارهای خود بیشتر اطمینان دارد و ابعاد مثبت را درباره خود بیان می‌کند و تقریباً همیشه امور منفی را به دیگران نسبت می‌دهد.

نمودار ۳- درصد طبقه‌های پرسش سوم



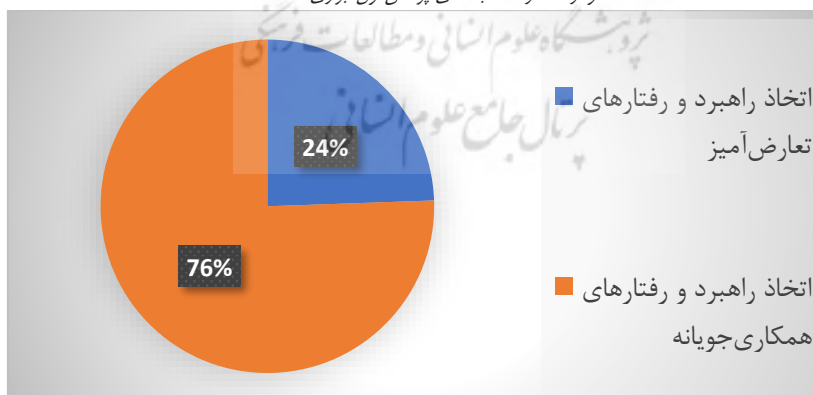
آیا بر روند تحولات تاریخ کنترل داریم؟ پاسخ این پرسش و پرسش بعدی، وابسته به مبحث قبلی است. برای دریافتن باور فرد درباره داشتن کنترل بر روند تحولات، باید دانسته شود او بیشتر درباره دیگران صحبت می‌کند یا درباره خود. اگر او به وعده‌ها و کارهای دیگران اشاره کند، نشانگر باور او است به عدم تسلط خودش بر روند تحولات است؛ اما وقتی او بیشتر درباره خود صحبت یا به کارهای خود اشاره می‌کند، نشانگر این است که باور به کنترل خود بر روند دارد (Walker and Schafer, 1998, p. 176). به نظر می‌رسد میرزا تقی خان امیرکبیر امور را به خود نسبت می‌دهد و به تسلط خود بر امور و نقش خود در پیش‌بردن و شکل‌دادن به تاریخ باور دارد که به معنای تأکید بر نقش کارگزاری است.

نقش اقبال (شانس) در امور انسانی و تحولات تاریخی چیست؟ این پرسش نیز در پیوند با پرسش بالاست. کسی که معتقد است بر روند تحولات کنترل دارد و آینده سیاسی را قابل‌پیش‌بینی می‌داند، نقشی برای بخت قائل نیست یا اثر آن را کم می‌داند. با توجه به پاسخ پرسش پیشین، می‌توان نتیجه گرفت امیرنظام نقش بخت را در تحولات تاریخ ناچیز می‌شمرده است که این نیز اهمیت کارگزاری در باورهای او را نشان می‌دهد.

نخستین پرسش ابزاری این است که بهترین رویکرد برای انتخاب اهداف عمل سیاسی چیست؟ برای پاسخ به این پرسش باید به این نکته دست‌یافت که به نظر فرد بهترین راه پیشبرد امور، راهبرد و رفتارهای تعارض‌آمیز است یا همکاری‌جویانه؟

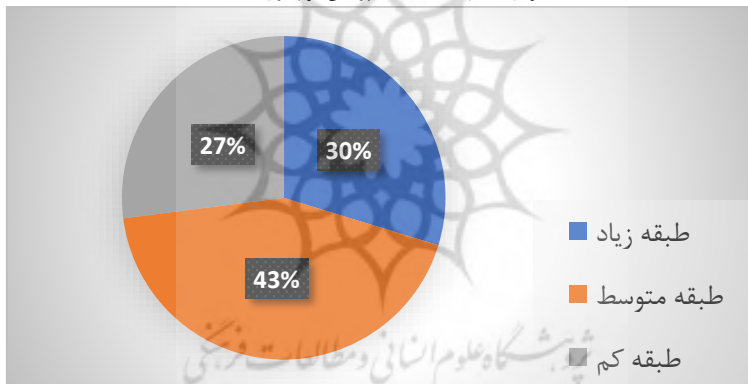
پس از بررسی ۴۵۴ نامه موجود از نامه‌های امیرکبیر، نتایج زیر به دست آمد: ۱۱ مضمون (۲۴ درصد) در طبقه راهبرد و رفتارهای تعارض‌آمیز قرار گرفت و ۳۴ مضمون (۷۶ درصد) در طبقه راهبرد و رفتارهای همکاری‌جویانه. پس در مجموع، او رفتارهای همکاری‌جویانه را در پیشبرد امور به طور کامل بر رفتارهای تعارض‌آمیز ترجیح می‌دهد. در بین مضامین این پرسش، ۳۴ مضمون ناظر بر رفتارهای همکاری‌جویانه و ۱۱ مضمون نیز ناظر بر رفتارهای تعارض‌آمیز پیدا شد که انتخاب او را برای پیشبرد امور روشن می‌سازد. شاید این جمله‌های امیرکبیر که «دوستاندار به عالی جاه مشارالیه اعلام دارد که با عالی جاه قونسول به طور دوستی و محبت حرکت نمایند» (به نقل از آل داود، ۱۳۹۸، ص. ۳۰۷). و «اما از آنجایی که کمال میل به مودت و مراودت دولت بهیه فرانسسه دارند» (به نقل از آل داود، ۱۳۹۸، ص. ۳۱۰) و حتی «محض پاس دوستی دولتین فخریمتین واسطه آن خط مفروض را به دو شرط قبول می‌نماییم» (به نقل از آل داود، ۱۳۹۸، ص. ۳۲۹). نمونه‌های واضحی برای این طبقه با شدند. نکته مهم آن است که در برخورد با کشورهای دیگر، بسیاری از بیانات به ظاهر تعارض‌آمیز او را می‌شود تلاش‌هایی برای جلوگیری از ایجاد یا تکرار تنش در روابط دانست.

نمودار ۴- درصد طبقه‌های پرسش اول ابزاری



چگونه می‌شود با کارآمدترین شیوه در جهت اهداف پیش رفت؟ پاسخ این پرسش با پاسخ پرسش پیشین مرتبط است. برای پاسخ به این پرسش، اول نیاز است جهت رفتار و راهبرد فرد مورد مطالعه مشخص شود و بر این اساس روشن شد که میرزا تقی‌خان امیرکبیر با ۳۴ مضمون که در طبقه راهبرد و رفتارهای همکاری‌جویانه قرار گرفت، راه تعامل را برگزیده بود. اما برای پاسخ به سؤال کنونی، افزون بر دانستن جواب نخست، آگاهی از شدت این ۳۴ مضمون نیز ضروری است. همان گونه که در جدول ۶ مشخص است، دسته متوسط با ۱۶ مضمون (۴۳ درصد) بیشترین تعداد از مضامین را به خود اختصاص داده است که روشن می‌کند امیرکبیر در حدی میانی از همکاری و تعامل قرار داشته است. نباید از این نکته غافل بود که این شدت سنجی باید در کنار موقعیت مضمون مورد مطالعه درک شود؛ به همین علت باید اضافه کرد که این نتایج در بستر موقعیت‌مندی خود قابل‌درک است.

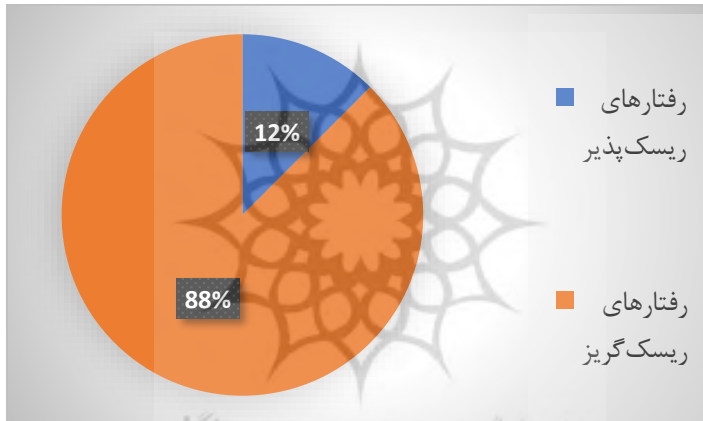
نمودار ۵- درصد طبقه‌های پرسش دوم/نزاری



پرسش بعدی این است که خطرات عمل سیاسی چگونه محاسبه، کنترل و پذیرفته می‌شود؟ برای پاسخ به این پرسش باید موقعیت ریسک‌پذیری تعریف شود: موقعیتی که در آن مجموعه‌ای از رفتارها در یک فضای تهدیدآمیز با وجود افزایش تنش، انجام می‌شود (Walker and Schafer, 1998, p. 180-181)؛ بنابراین برای یافتن پاسخ این پرسش، باید دانست که امیرکبیر رفتارهای ریسک‌پذیر بیشتری داشته است یا رفتارهای ریسک‌گریز (مجموعه‌ای از رفتارها در یک موقعیت تهدیدآمیز که باعث کاهش تنش و یا جلوگیری از بروز تنش و تهدید است). پس از بررسی نامه‌های میرزا تقی‌خان فراهانی، چهار مضمون ناظر بر طبقه رفتارهای ریسک

پذیر و ۱۴ مضمون ناظر بر رفتارهای ریسک‌گریز یافته شد. در بین عباراتی که برای این طبقه پیدا شده به نظر می‌رسد عبارت «کمترین غلام سکوت کرده، ممانعت نمود» (به نقل از آل داود، ۱۳۹۸، ص. ۱۷۰) رساترین معنا را داشته باشد. این نتایج نشان می‌دهد که میرزا تقی خان فراهانی در موقعیت تهدیدآمیز، به کاهش تهدید گرایش داشته است. شاید به نظر برسد این موضوع هماهنگی خاصی با اتخاذ راهبرد همکاری جویانه (عملیاتی) داشته باشد؛ اما باید یادآور شد که زمینه این مضامین در یک موقعیت تهدیدآمیز است و کاملاً طبیعی است که با راهبردهای همکاری جویانه متفاوت باشد. به تعبیر دیگر، می‌شود این مضامین را تبلور همکاری جویی در عمل دانست.

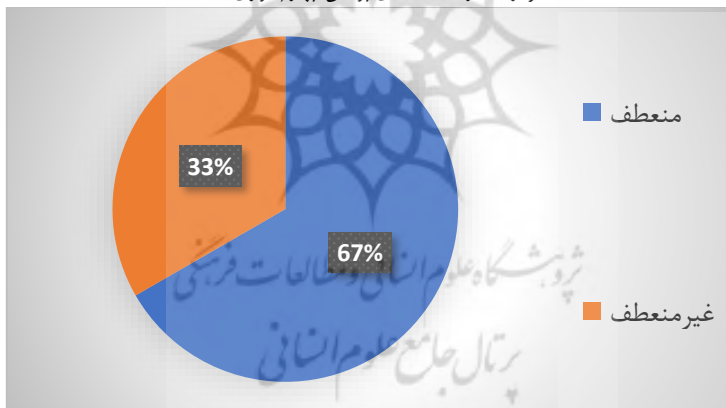
نمودار ۶- درصد طبقه‌های پرسش سوم ابزاری



بهترین زمان بندی برای پیشبرد منافع چیست؟ به عبارت دیگر، فرد انعطاف‌پذیری رفتاری دارد تا در طول زمان با توجه به تغییرات در محیط رفتار خود را تعدیل کند؟ انعطاف‌پذیری به این معنا است که فرد از یک موقعیت تعارض‌آمیز (تعارض یا از سمت خود فرد و یا پاسخی تعارض‌آمیز به عمل تعالی جویانه طرف مقابل است) به موقعیت همکاری (وقتی فرد مورد مطالعه تهدید می‌کند اما طرف مقابل خواستار همکاری است و او نیز از تهدید خود دست می‌کشد) تمایل نشان دهد (Walker and schaffer, 1998, p. 181). بر اساس شاخص بالا، برای پاسخ به این پرسش، دو طبقه تعریف می‌شود: طبقه منعطف و طبقه غیرمنعطف. طبقه منعطف

ناظر بر مجموعه‌ای از باورهای یک فرد است که در مقابل تعارض اولیه، همکاری دیده است و سپس همکاری نشان می‌دهد؛ اما در طبقه غیرمنعطف، فرد بر روی یک دیدگاه مشخص ثابت می‌ماند. البته بررسی این پرسش نیز در بستر یک موقعیت تعریف شده قرار دارد. امیرکبیر در نامه‌های خود هشت بار از خود باور منعطف و چهار بار نیز باور غیرمنعطف نشان داده است که نشانگر فزونی رفتارهای منعطف در اوست. عباراتی همچون «کمترین هم محض اطاعت ولی النعمی نتوانستم رد نمایم که مبادا مضمون تراشی کنند و رقیمه دیگر که تهدیدش از این بیشتر و شدیدتر باشد اصرار نمایند. تکلیف او را قبول و دعوتش را اجابت کردم.» (به نقل از آل داود، ۱۳۹۸، ص. ۱۷۶) و یا «دیروز هم مجدداً میرزا آقاخان اعتمادالدوله را به جهت تشییع مبنای دوستی روانه نمودم و به عالی جاه مشارالیه القا داشتم که به شما حالی نماید که دولت ذی شوکت علیه ایران طالب و راغب به مراد و دوستی و اتحاد با دولت بهیه جمهوریة فرانسه هستند» (به نقل از آل داود، ۱۳۹۸، ص. ۱۸۳-۱۸۲) مثال‌های برای این طبقه هستند.

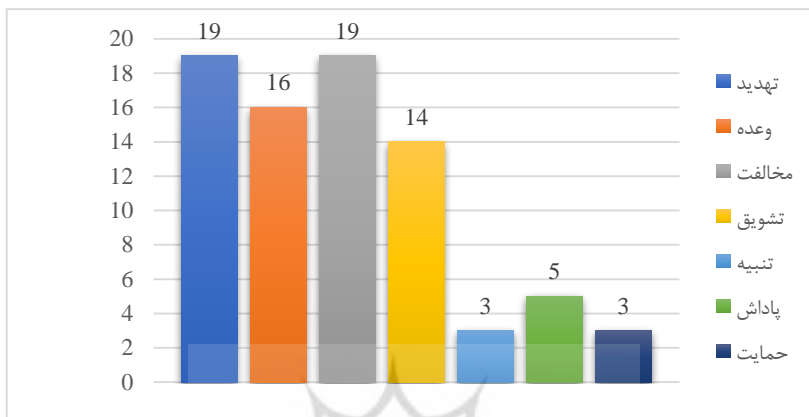
نمودار ۷- درصد طبقه‌های پرسش چهارم ابزاری



میزان مطلوبیت و نقش وسایل مختلف برای پیشبرد منافع چقدر است؟ برای پاسخ به این پرسش، باید دانست فرد مورد مطالعه فکر می‌کند باید از چه وسیله‌ای (مانند وعده، حمایت، تنبیه، پاداش، تهدید، مخالفت و تشویق) برای پیشبرد امور استفاده کند. پس از بررسی ۱۰۰ نامه از نامه‌های امیرکبیر، ۷۹ مضمون ناظر بر مطلوبیت استفاده از ابزار به دست آمد. اما برای تکمیل شناخت لازم است این ابزارها

در دسته‌های خود شمرده شوند. در نمودار زیر دیده می‌شود، ابزار مخالفت و تهدید هرکدام با ۱۹ بار تکرار، بیشتر مورد استفاده امیرکبیر بوده است.

نمودار ۸ - درصد طبقه‌های پرسش پنجم ابزاری



در کل می‌توان گفت امیرکبیر نگاه بدبینانه‌ای به رقبا و عرصه سیاسی دارد؛ برخی از موارد بدبینی امیرکبیر را می‌شود در سطح داخلی و ناظر بر کنشگران سیاسی داخلی دید؛ جنبه دیگر آن، ناظر بر کنشگران دولتی همچون عثمانی و روسیه و در مرحله بعدی بریتانیا است؛ و نهایتاً آخرین جنبه این نگاه، بدبینی ناظر بر کل عرصه سیاسی، اعم از ساختار و کارگزار، است. او به تحقق نهایی آرمان‌ها و ارزش‌های سیاسی بدبین است. امیرکبیر باور به کنترل بر امور دارد و بر همین اساس، آینده سیاسی را قابل پیش‌بینی می‌داند (شاید این شبهه ایجاد شود که اگر امیرکبیر امور را تحت کنترل خود می‌داند، پس چرا به آینده خوش‌بین نیست؟ این که امیرکبیر به آینده بدبین است، ناشی از بدبینی او به عرصه سیاسی و «دیگری» در این عرصه است؛ در حالی که ویژگی‌های بد دیگری می‌تواند باعث بروز مشکل در تحقق نهایی آرمان‌های سیاسی شود). همین باور او باعث می‌شود که نقش اصلی و مهم را در شکل دادن به تاریخ و تسلط بر امور در اختیار خود ببیند و نقش چندانی برای بخت و اقبال در تحولات تاریخی قائل نشود.

امیرکبیر با باور به اتخاذ راهبردهای همکاری‌جویانه معتقد به حد متوسطی از همکاری بود (واضح است که می‌شود اقدامات همکاری‌جویانه را در چارچوب مواردی مانند کاهش تنش، پذیرش میانجیگری و مساعی جمعیله، عقب‌نشینی‌ها و

امتیازدهی های کوچک تقسیم بندی کرد؛ این چارچوب ها عموماً در ارتباط با قدرت های بزرگ قابل مشاهده است). او در موقعیت های تهدیدآمیز به کاهش تنش گرایش داشت و رفتارهای منعطفی از خود نشان می داد و در عین حال، تمایل زیادی به استفاده از ابزارهایی مانند تهدید و مخالفت داشت (بیشتر این موارد در ارتباط با موقعیت های داخلی است). اکنون این پرسش پدید می آید که چه نسبتی میان این باورهای امیرکبیر و سیاست خارجی استقلال جویانه او وجود دارد؟

۴- از نظام باورها تا سیاست استقلال جویانه

سیاست خارجی امیرکبیر به عنوان یک سیاست خارجی استقلال جویانه از بخش های متفاوتی تشکیل شده است. منظور از این نوع سیاست خارجی، اتخاذ راهبردهایی برای کنترل حوزه های تصمیم گیری (مانند ارتش، اقتصاد و سیاست خارجی) و پیشبرد منظم و دقیق آنها با هدف کسب استقلال است. باید توجه داشت که استقلال و کنترل بر مسائل، از ویژگی هایی است که هر تصمیم گیرنده ای در پی آن است. استقلال جویی به عنوان یک ویژگی شخصیتی کمابیش درون اکثر افراد وجود دارد؛ اما مسئله اینجاست که چگونه در میان همه افرادی که خواهان استقلال هستند، کسی مانند امیرکبیر در پی اجرای یک سیاست کاملاً استقلال طلبانه است و دیگری این چنین نیست. تجربه شکست های پر شمار برخی از سیاستگذاران دوران قاجاریه باعث می شد که آنها در مواجهه با قدرت های بزرگ، به جای پیگیری منافع متعارض ملی، به دنبال منافع فردی هماهنگ با این قدرت ها باشند. به عبارت بهتر، این افراد فهمی خاص از سیاست بین الملل در آن برهه داشتند (که به نوعی واقع گرایانه نیز بود). در فهم آنها، کشور در نظام بین الملل موقعیتی ضعیف و نازل دارد؛ مهم ترین نکته این فهم، اجتناب نا پذیر بودن و تغییر نا پذیر بودن این جایگاه است. بر اساس این فهم، نقش کنشگر محلی در جهان سیاست بین الملل محلی از اعراب ندارد (مشیرزاده، ۱۳۹۶، ص. ۲۱۰). شاید یکی از بزرگ ترین نمونه های این فهم، محمد شاه قاجار باشد (برای مطالعه بیشتر در این باره رجوع شود به حمیدی، ۱۳۹۴). این برداشت در عین این که جنبه واقع گرایانه ای دارد، اما امکان هرگونه تغییر در این وضع را نیز عملاً نفی می کند. همین نکته، تمایز امیرکبیر با افراد دارای این نگاه را نمایان می کند.

مهم ترین باور فلسفی امیرکبیر اعتقاد به کنشگری خود، به مثابه توانایی کنترل و تسلط بر تحولات تاریخی، است. او چون باور به کنشگری خود دارد، از حالت ضعف

برآمده از شکست‌های پی‌درپی دولت در برخورد با دولت‌های بزرگ که نتیجه جایگاه نازل کشور در سیاست جهانی است، دور می‌ماند. تفاوت اساسی امیرکبیر با اشخاصی مانند ناصرالدین شاه و محمد شاه، باور عمیق به کنشگری خود و تسلط بر امور است. این باور، یکی از مهم‌ترین عوامل و بنیان‌های سیاست استقلال‌جویانه او است. نتیجه مستقیم باور به کنشگری خود در عرصه‌های مختلف، به کنترل درآوردن و ارتقاء حوزه‌های گفته شده است. باور به کنشگری خود در عرصه داخلی و خارجی، یعنی ضمن پذیرش شرایط نامطلوب فعلی با باور به کنشگری و کنترل بر تحولات، به دنبال دگرگونی از وضع نامطلوب به وضع مطلوب باشیم. مجموع این نمودها را می‌شود در دو دسته مثبت و منفی دید. در دسته مثبت، او با اعتقاد به این باور دست به اصلاحات گسترده در زمینه‌های مختلف با هدف به کنترل درآوردن آن‌ها می‌زند و در دسته منفی، با اعتقاد به کنشگری خود به مخالفت با خواسته‌های دولت‌های بزرگ و اتخاذ سیاست موازنه منفی روی می‌آورد. این باور به کنشگری خود، به معنای خود را فعال مایشاء دانستن نیست؛ او زندگی سیاسی را عرصه تضاد منافع می‌داند و منافع مورد توجه او به طور خاص منافع کلان ملی است. باور به کنشگری خود در کنار بدبینی به عرصه زندگی سیاسی باعث می‌شود امیرکبیر بر خلاف دیگر سیاستمداران قاجاریه عمل کند. این‌که چرا دیگران تعارض را در سطح ملی نمی‌بینند، شاید به فشار ناشی از همان فهم تسلیم طلبانه و انقیادی مربوط باشد که امکان هرگونه تغییر را غیر ممکن می‌داند (برای مطالعه در این زمینه رجوع شود به مشیرزاده، ۱۳۹۶). به عبارت ساده‌تر، باور امیرکبیر به کنشگری خود باعث می‌شود تعارض را در سطح ملی ببیند که باعث ایجاد یک دیدگاه کاملاً واقع‌گرایانه در او می‌شود.

او برای انتخاب هر هدف و روش، بر اساس همین منافع متضاد ملی به مسائل می‌نگرد. این تفاوت دیگری در نگاه امیرکبیر و دیگر کنشگران عرصه سیاست خارجی دوران قاجار است که تعارض منافع با دیگر کشورها را گاه اصلاً متوجه نبودند و گاه آن را به مسائل شخصی تقلیل می‌دادند و به ندرت آن را ناشی از ماهیت روابط بین دولت‌ها در نظام بین‌الملل می‌دیدند. نگاه بدبینانه امیرکبیر به عرصه سیاسی در پیوند با باور او به کنشگری خود و تسلط و کنترل بر تحولات تاریخ، باعث می‌شود او به جای تسلیم‌شدن، رو به اقداماتی بیاورد که از آن‌ها به عنوان استقلال‌جویی یاد شد. در طول تاریخ ایران پس از صفویه تا ناصرالدین شاه، یکی از ویژگی‌های سیاست خارجی ایران و تصمیم‌سازان آن تمایل به انتخاب اهدافی فراتر از توانایی کشور و

روش منتخب برای رسیدن به هر هدفی، تقریباً همیشه جنگ بود (رمضانی، ۱۳۹۹، ص. ۵۳). اما امیرکبیر در سطح دولتی و بین‌المللی واقف به توانایی و قدرت دولت‌های بزرگ و همچنین شرایط آنارشیک نظام بین‌الملل و محدودیت‌های کارگزاری ناشی از آن بود؛ پس اتخاذ راهبردهای همکاری‌جویانه یا ریسک‌گریزانه را بهترین روش پیشبرد امور سیاسی می‌دانست. به طور کلی، اگر سیاست خارجی پیش و پس از امیرکبیر را عرصه تداوم ناهماهنگی میان اهداف و روش‌ها بدانیم (رمضانی، ۱۳۹۹، ص. ۱۰۷)، به نظر می‌رسد امیرکبیر نخستین فردی بود که یک سیاست خارجی کاملاً متناسب را پی گرفت.

او با اتخاذ رویکرد همکاری‌جویانه سعی در کسب منافع ملی در مواجهه با قدرت‌های بزرگ می‌کرد؛ اما این مهم تا بدان‌جا انجام می‌شد که خطری استقلال ملی ایران را تهدید نکند و به محض احساس هرگونه تهدید، به استفاده از ابزار مخالفت روی می‌آورد. امیرکبیر با اعتقاد به همکاری به مثابه دیپلماسی و درک توانایی کشور و انتخاب اهداف بر اساس این توانایی که نشانه‌های واقع‌گرایی اوست از معدود تصمیم‌سازانی است که بر اساس روند قبلی عمل نکرده است. ویژگی‌های آشکار تصمیم‌سازان عرصه سیاست خارجی دوران قبل و بعد از امیرکبیر در انعطاف‌ناپذیری، جزم‌اندیشی و ناواقع‌گرا بودن است. در حالی که امیرکبیر با وجود زیستن در همین دوران ویژگی‌های دقیقاً برعکس این ویژگی‌ها را دارد. از سمتی دیگر باور امیرکبیر به همکاری را نباید به معنای وادادگی تصور کرد. باور امیرکبیر به همکاری در کنار باور او به کاهش تنش در هنگام تهدید وجودی و از آن مهم‌تر اعتقاد او به استفاده از ابزار مخالفت ابعاد جدیدی از افق‌های افکار امیرکبیر را می‌گشاید. این باور امیرکبیر در عین اینکه دوباره بر واقع‌گرا بودن او تأکید می‌کند، حاکی از عملگرایی او نیز هست. به طور کلی باورهای همکاری‌جویی و مخالفت یکی دیگر از پایه‌های سیاست موازنه منفی امیرکبیر است. او با اتخاذ رویکرد همکاری‌جویانه سعی در کسب منافع ملی در مواجهه با قدرت‌های بزرگ می‌کرد. به عبارت دیگر، تعادل میان باور به همکاری‌جویی و باور به استفاده از ابزار مخالفت، بنیان‌های سیاست موازنه منفی امیرکبیر را تشکیل می‌دهند. همچنین اتخاذ رویکرد کاهش تنش در هنگام تهدید وجودی از ریشه‌های عمل‌گرایی او است. نمونه این موضوع را می‌شود در برکناری حاکم‌مازندران به درخواست سفیر کبیر روسیه و با پشتیبانی امپراتور این کشور دید. همان‌درک از تضاد منافع ملی باعث می‌شد که امیرکبیر سیاست موازنه مثبت را برگزیند (رمضانی، ۱۳۹۹، ص. ۹۱).

به طور کلی، باورهای ابزاری و فلسفی میرزا تقی‌خان دره‌متنیده شده‌اند و باعث می‌شوند که امیرکبیر به‌گونه‌ای خاص به جهان بنگرد. این باورها باعث خلق فهمی خاص از جهان درون امیرکبیر می‌شوند که به‌مثابه یک صافی، مولد و مقوم استقلال‌جویی به عنوان یک سیاست و مجموعه‌ای از اقدام‌ها است؛ رسیدن به استقلال کامل از قدرت‌های بزرگ و داشتن قدرت کافی برای حفظ این استقلال از نتایج این باورها است.

نتیجه

وقتی تاریخ مدرن ایران را ورق می‌زنیم به برهه‌هایی برمی‌خوریم که متفاوت از روند کلی طی شده است. ضعف شدید داخلی، ناتوانی دولت در اعمال حاکمیت (دولت ورشکسته) و سیاست خارجی منفعل از ویژگی‌های عمده آن است. اما دوره‌هایی نیز وجود دارد که تفاوت اساسی با این روند دارد. از مهم‌ترین این دوره‌ها، برههٔ صدارت میرزا تقی‌خان امیرکبیر است. همچنین امیرکبیر به عنوان پایه‌گذار سیاست خارجی عدم تعهد و موازنه منفی (به عنوان یکی از بزرگ‌ترین راهبردهای سیاست خارجی ایران در طول دوران معاصر) جایگاهی خاص در مطالعات سیاست خارجی دارد که نیازمند یک مطالعه علمی، دقیق و حساب شده است. او به عنوان مهم‌ترین و اولین فرد دارای یک راهبرد مشخص برای پیشبرد سیاست خارجی چنان اهمیتی دارد که باید موضوع یک تحقیق علمی قرار گیرد.

در این تحقیق سعی شد به مطالعه علل و تفاوت دوران صدارت امیرکبیر با دوران قبل و بعد از او پرداخته شود. به عبارت بهتر در این تحقیق در پی پاسخ به این سؤال بودیم که چرا سیاست خارجی ایران در دوره امیرکبیر برخلاف بخش اعظم قاجاریه رویکرد استقلال‌جویانه داشت؟ فرضیه این تحقیق علت رویکرد استقلال‌جویانه امیرکبیر را در نظام باورها و اعتقادات او می‌داند. بر همین اساس با انتخاب رمزگان عملیاتی به عنوان فراگیرترین نظریه مطالعه باورها به عنوان چهارچوب نظری در پی شناخت نظام باورهای امیرکبیر است. در بخشی از تحقیق سعی شد به بررسی استقلال‌جویی در سیاست خارجی ایران در عصر امیرکبیر بپردازیم. مشخص شد که استقلال‌جویی امیرکبیر به معنای کنترل در همه شئون و امور مملکت چه در عرصه داخلی و چه در عرصه خارجی است (افزایش خودمختاری و تحدید نفوذ خارجی). در ادامه با توجه به چهارچوب نظری و روش منتخب به مطالعه باورهای امیرکبیر در نامه‌های او پرداخته شد. نتایج این پژوهش نشان دهند تأیید فرضیه بود و مشخص

شد که سیاست خارجی استقلال جویانه امیرکبیر ریشه در باورهای فلسفی و ابزاری او دارد.

در بخش باورهای فلسفی مهم‌ترین باورها حاکی از اعتقاد امیرکبیر به کند شگری خود، تسلط و کنترل بر تحولات تاریخی و همچنین دید بدبینانه به عرصه زندگی سیاسی است. در بخش باورهای ابزاری اعتقاد به همکاری و رویکرد کاهش تنش در هنگام تهدید وجودی و همچنین اعتقاد به استفاده از ابزار مخالفت از نتایج این بخش است. باورهای فلسفی امیرکبیر ریشه بسیاری از اقدامات او از جمله به کنترل در آوردن حوزه‌های مانند اقتصاد، نظامی، و سیاست خارجی است. اعتقاد او به کنشگری خود اجازه نمی‌دهد که او تصمیم‌گیری در این عرصه‌ها را با دیگری تقسیم کند. اقدامات او در به کنترل در آوردن این حوزه‌ها بروز و ظهور این باورهای امیرکبیر است. از طرفی دیگر باورهای ابزاری او ضمن نشان دادن این رابطه مستقیم بین باورها و سیاست استقلال جویانه حاکی از واقع‌گرایی و عمل‌گرایی عمیق امیرنظام است. باور به حد متوسطی از همکاری، باور به کاهش تنش در موقعیت‌های تهدیدآمیز و باور به استفاده از ابزار مخالفت همگی به نوعی مقوم اقدامات استقلال جویانه امیرکبیر شدند. این اقدامات که تحت عنوان سیاست استقلال جویانه امیرکبیر از آن‌ها یاد شد نشانگر رویکرد واقع‌گرایانه و عمل‌گرایانه او بود. باور به کاهش تنش و پیگیری هدفی خاص بدون توجه به فلسفه‌بافی‌ها حاکی از واقع‌گرایی و عمل‌گرایی اوست.

شاید بتوان گفت پژوهش‌هایی از این دست در کنار تبیین سیاست خارجی ایران در دوره‌های مختلف می‌تواند در بلندمدت و با بررسی موارد متعددتر و متنوع‌تر به شکل‌دهی نوعی نگاه نظری مستخرج از باورهای سیاستمداران ایرانی نیز منجر شود که البته مستلزم بسط این مطالعات در دوره‌های مختلف سیاست خارجی ایران است.

منابع

منابع فارسی

- ۱- اقبال آشتیانی، عباس، به کوشش ایرج افشار (۱۳۴۰). *میرزا تقی خان امیرکبیر*. تهران: انتشارات طوس.
- ۲- امانت، عباس (۱۳۸۳). *قبله عالم: ناصرالدین شاه قاجار و پادشاهی ایران (۱۲۴۷-۱۳۱۳)*. مترجم: حسن کامشاد، تهران: نشر کارنامه.
- ۳- ایمان، محمدتقی و نوشادی، محمدرضا (۱۳۹۰). *تحلیل محتوای کیفی پژوهش، ۲، ۴۴-۱۵*.
- ۴- آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۷). *ایران بین دو انقلاب (از مشروطه تا انقلاب اسلامی)*. مترجم: فیروزمندی، کاظم، شمس آوری، حسن، مدیر شانه چی، محسن، تهران: انتشارات مرکز.
- ۵- آدمیت، فریدون (۱۳۴۸). *امیرکبیر و ایران*. تهران: شرکت سهامی انتشار خوارزمی.
- ۶- آل داوود، سید علی (۱۳۹۸). *امیرکبیر و ناصرالدین شاه*. تهران: انتشارات دکتر محمود افشار.
- ۷- جعفری، فاطمه (۱۳۹۶). *بررسی تحلیلی دیپلماسی مکاتبه‌ای رجال سیاسی عهد قاجار*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه تاریخ. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بیرجند.
- ۸- جوادی یگانه، محمدرضا و جوادی، ربیحه (۱۳۹۴). *اصلاحات سه‌ساله (بررسی جامعه‌شناختی روندهای اصلاحی در عصر ناصری)*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۹- حمیدی، سمیه و یوسف زهی، ناصر (۱۳۹۴). *ایران و مسئله هرات و قندهار در دوره قاجار*. فصلنامه تاریخ روابط خارجی، ۶۴، ۷۳-۹۷.
- ۱۰- خلیلی، محسن (۱۳۸۰). *ماهیت و شیوه‌های تصمیم‌گیری در روابط خارجی ایران دوره ناصرالدین‌شاه: مقایسه میرزا تقی‌خان امیرکبیر و میرزا حسین‌خان سپهسالار*. رساله دکترا علوم سیاسی. گروه علوم سیاسی. دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دانشگاه تهران.
- ۱۱- رضانی، روحا ... (۱۳۹۹). *تاریخ سیاست خارجی ایران (از صفویه تا پایان پهلوی اول)*. مترجم: روحا... اسلامی و زینب پزشکیان، تهران: نشر نی.

- ۱۲- رضائی، روح ... (۱۳۹۲). چهارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. مترجم: علیرضا طیب، تهران: نشرنی.
- ۱۳- شیخ نوری، محمد امیر (۱۳۸۶). فراز و فرود اصلاحات در عصر امیرکبیر. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۱۴- کاو جبلی، علیرضا (۱۳۷۱). سیاست خارجی امیرکبیر. تهران: انتشارات جویا.
- ۱۵- محمدرضا پور، احمد (۱۳۹۷). ضد روش (زمینه‌های فلسفی و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی). قم: لوگوس.
- ۱۶- مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۹۶). سنت واقع‌گرایی در ایران. فصلنامه سیاست مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱، ۲۰۱-۲۲۰. <https://doi.org/10.22059/JPQ.2017.60781>
- ۱۷- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۶). مبانی نظری تبیین و تحلیل سیاست خارجی. تهران: سمت.
- ۱۸- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۹۲). تاریخ روابط خارجی ایران: از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم (۱۵۰۰-۱۹۴۵ م). تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۱۹- یانگ، مایکل و شیفر، مارک (۱۳۹۶). راه‌های ارزیابی ادراک در روابط بین‌الملل. در مایکل شاپیرو و دیگران، مقالاتی در رویکرد ادراکی در تحلیل سیاست خارجی (صص ۱۹-۸۷). ترجمه: حمیرا مشیرزاده و شایان افراسیابی، تهران: نشر میزان.
- ۲۰- مورگنتا، هانس. جی (۱۳۸۹). سیاست میان ملت‌ها (تلاش در راه قدرت و صلح). ترجمه: حمیرا مشیرزاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی.
- ۲۱- بهمنی، کبری و فقیه ملک مرزبان، نسرتین (۱۳۹۵). ارتباط ذهن و زبان در آرا عبدالقادر جرجانی و نوآم چامسکی. نشریه ادبیات تطبیقی، ۱۴: ۹۳-۱۱۷.
- ۲۲- کریپندورف، کلوس، (۱۳۷۸). تحلیل محتوای مبانی روش‌شناسی. ترجمه: هوشنگ نایبی، تهران: انتشارات روش.
- ۲۳- واکر، جی استون (۱۳۹۶). سیر تحلیل رمزگان عملیاتی، در مایکل شاپیرو و دیگران، مقالاتی در رویکرد ادراکی در تحلیل سیاست خارجی (صص ۸۸-۱۱۲). ترجمه: حمیرا مشیرزاده و شایان افراسیابی، تهران: نشر میزان.
- ۲۴- جرویس، رابرت (۱۳۹۸). فهم باورهای، در رابرت جرویس، دولت مردان چگونه فکر می‌کنند: روان‌شناسی سیاست بین‌الملل. ترجمه: عباس ملکی و همکاران، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

منابع انگلیسی

1. George, Alexander (1967), *The Operational Code: A Neglected Approach to the Study of Political Leaders and Decision-Making*. Boston: Rand Corporation.
2. George, William (2014). *Explaining State Crisis Behavior Using the Operational Code*. Master Thesis, Department of Political Science, University of Central Florida, Orlando.
3. Leites, Nathan (1951). *The Operational Code of the Politburo*. Boston, MA: Rand Corporation.
4. Mentz, Alex and de Rouen, Karl (2010). *Understanding Foreign Policy Decision Making*. New York: Cambridge University Press.
5. Merton, Robert (1940). "Bureaucratic Structure and Personality. *Social Forces*, 18, 4, 560–568. <https://doi.org/10.2307/2570634>.
6. Shannon, Sarah E, Fang Hsieh, Hsia (2005). Three Approaches to Qualitative Content Analysis. *Qualitative Health Research*, 15, 9, 1277-1288. <https://doi.org/10.1177/1049732305276687>.
7. Walker, Stephen and Schafer, Mark (1998). Systematic Procedures for Operational Code Analysis: Measuring and Coding Jimmy Carter's Presidential Code. *International Studies Quarterly*, 42, 175-190. <https://doi.org/10.1111/0020-8833.00074>.

